باسمه‌تعالی

درس خارج حجت‌الاسلام‌والمسلمین علیرضا حدائق

۲۰ آذر ۹۶

مسألة ۲: يجوز أخذ مال النصاب أينما وجد لكن الأحوط إخراج خمسه مطلقاً وكذا الأحوط إخراج الخمس مما حواه العسكر من مال البغاة إذا كانوا من النصاب ودخلوا فی عنوانهم وإلا فيشكل حلية مالهم.

مقدمه

مسئله دومی که مرحوم صاحب عروه در بحث مسائل مربوط به خمس مطرح می‌فرمایند اخذ مال ناصبی است. در مسئله قبل اشاره فرمودند که مال کفاری که در میدان مقاتله حضور یافتند غنیمت است؛ به این معنا که باید به‌مجرد اخذ، خمس آن پرداخت شود. در ذیل آن مسئله به حیله و افکاری که مورد تضارب آراء بود اشاره شد.

تصرف مال ناصبی

در مسئله دوم می‌فرماید مسئله اصلی ناصبی است. در اینجا دیگر حربی بودن مطرح نیست. آیا این‌ها حکم غنیمت بر آن بار می‌شود به معنای اعم یا اخص؟ اگر به معنای اخص باشد به‌محض اخذ باید خمس داده شود و ا گر به معنای اعم باشد باید بعد از رسیدن سال خمسی خمس آن پرداخت شود.

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: مال ناصبی را هرکجا به دست آورید تصرف آن جایز است ولی خمس آن را مطلقاً پرداخت کنید یعنی به‌مجرد اخذ مال باید خمس آن پرداخت شود. بعد ایشان مسئله دیگری را ذکر می‌فرمایند که به

ناصبی الحاق می‌کنند: «**وکذا الأحوط إخراج الخمس مما حواه العسکر من مال البغاة إذا کانوا من النصاب ودخلوا**» ایشان می‌فرماید احوط این است که از اموال این‌هایی که در اطراف سپاه هستند نیز به‌شرط این از بغاه و نصاب باشند می‌شود اموال این‌ها را نیز می‌شود تصرف کرد و احوط اخراج خمس است و به معنای خمس به معنای اخص است «**و دخلوا فی عنوانهم**» چه ما حواه العسکر چه از مال بغاه چه خود ناصبی باید خمس این‌ها پرداخت شود.

«**و الا فیشکل حلیة مالهم**» اگر غیرازاین باشد یعنی مما حواه العسکر باشد ولی ناصبی نباشد مشکل است که مال این‌ها را حلال بدانیم و در مال آن‌ها تصرف کنیم؛ زیرا کافر بر مال خودش مسلط است مگر این‌که حربی باشد.

نظر مرحوم صاحب عروه این بود که به‌مجرد اخذ باید خمس داده شود ولی در اینجا طرف مقابل از بغاه و ناصبی‌ها است و روایات به‌طور اطلاق می‌گویند که مال ناصبی را هر جا دیدید تصرف کنید. البته تعریف ناصبی را عرض خواهیم کرد و در اینجا اصلاً بحث جنگ نیست. ایشان می‌گوید اگر باغی و ناصبی بود در بحث ناصبی داخل می‌شود.

بررسی روایات درباره ناصبی

روایاتی در باب این‌که تصرف مال ناصبی جایز است آورده شده است. از مرحوم آیت‌الله بروجردی نقل است که تصرف مال ناصبی جایز نیست ولی صاحب حدائق می‌فرماید اشکالی ندارد و برخی ادعای اجماع کرده‌اند. صاحب جواهر ادعای اجماع کرده است.

سه حدیث است که اهم روایات است و مورد استناد قرار گرفته است:

روایت اول

حفص بن البختری، عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال: خذ مال الناصب حیثما وجدته وادفع إلینا الخمس.[1] مال ناصبی را دیدید تصرف کنید ولی خمس آن را به ما بپردازید.

روایت دوم

معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام با یک اختلاف مضمون مختصری با روایت اول نقل می کند: «**قال أبو عبد الله (علیه السلام): خذ مال الناصب حیثما وجدت**»[2] در اینجا «وجدت» بدون ضمیر آمده است و در روایت اول با ضمیر آمده است. این نیز همان معنای روایت اول را دارد که اطلاق دارد که تصرف مال ناصبی در هرکجا که یافتید جایز است ولی خمسش را باید بپردازید.

روایت سوم

مرسله اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: «**مال الناصب وکلّ شیء یملکه حلال لک إلّا امرأته**» هر چیزی که در تملک ناصبی است بر شما حلال است جز همسر او «**فإن نکاح أهل الشرک جائز**»[3] نکاح آن‌ها درست است. البته در اینجا آیت‌الله‌العظمی مکارم می‌فرمایند که اگر زن ناصبی از او گرفته شد تکلیف چیست؟ ایشان

می‌فرماید حکم عبد و اماء بر آن بار می‌شود و ازاین‌جهت که زن ناصبی است نمی‌توان تصرف کرد ولی ازاین‌جهت که اسلام برای عبد و اماء احکامی دارد ازآن‌جهت در آن زمینه قرار می‌گیرد و مسئله در آنجا حل می‌شود.

این سه روایت عمده روایاتی است که ذکر شده است.

تعاریف ناصبی

یک تعریفی از ناصبی اشاره کنم و به اقوال مختلف در این زمینه اشاره می‌کنم.

بزرگان چند تعریف از ناصبی ارائه کرده‌اند:

۱- «**من یقدح فی علی علیه السلام وینصب العداوة له**» کسی که قدح امیرالمؤمنین علیه السلام کند و دشمنی و عداوت را علنی و آشکار کند. رسماً به حضرت اسائه ادب و توهین کند.

۲- «**من یقدح فی الأئمّة علیهم السلام وینصب العداوة لهم.**» یک وقت به ائمه جسارت می کن و این اهانت را آشکار می کند.

۳- «**من ینصب الحرب لهم علیهم السلام**» کسانی که جنگ را بر علیه ائمه علیهم السلام آشکار می‌کنند. قطعا کسانی که در برابر امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام جنگیدند ناصبی هستند.

٤- «**من یسبّهم (العیاذ باللّه)**» کسی که ائمه علیهم السلام را سب و دشنام بدهد. رسماً توهین و جسارت به آن‌ها کند.

۵- «**من یعادی شیعتهم بما هم شیعتهم، وهذا یرجع مآلا إلی الثانی.**» کسی با شیعیان ائمه علیهم السلام دشمنی کند نه به شخصیت آن‌ها بلکه به این اعتبار که شیعه است. علت عداوت به آن‌ها شیعه علی علیه السلام بودن آن‌ها باشد. البته این قسم به قسم قبلی برمی‌گردند. عداوت با ائمه علیهم السلام ممکن است مانند مورد قبل بی‌واسطه باشد و یا این‌که مانند این مورد باواسطه باشد. البته قسم پنجم به قسم دوم برمی‌گردد.

این‌ها ناصبی هستند و اموالشان محترم نیست.

سؤال: اگر فضیلت ائمه را انکار کنند ناصبی هستند؟

پاسخ: این مسئله جزو ناصبی محسوب نمی‌شود. ناصبی آن است که عداوت را آشکار کند. ممکن است معجزه یا کرامت را انکار کند ولی اگر دشنام دهد و دشمنی را علنی کند ناصبی است.

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: مال ناصبی را با این شرایط اگر دیدید تصرف کنید.

بحث در این است که تصرف در مال ناصبی جایز است قول اختلافی ندارد؟ در اقوال علمای گذشته، چه مرحوم علامه و چه مرحوم شیخ مفید، همه اتفاق دارند که تصرف در مال ناصبی جایز است و مال او محترم نیست مگر آیت‌اللهالعظمی بروجردی در کتاب زیدة المقال. حتی صاحب جواهر نیز دعای االجماع کرده است: «**خلاف ما علیه الطائفة المحقة سلفا وخلفا من الحکم بکفر الناصب، وجواز أخذ ماله وقتله**»[٤] مرحوم صاحب حدائق نیز معتقد است که یجوز اخذ ماله ولی خمس آن باید پرداخت شود و یجب رد الخمس.

عبارت مرحوم آیت‌الله بروجردی را در کتاب زبده المقال می خوانم. ایشان می‌فرماید ناصبی مسلمان است ولی سب و لعن اهل بیت علیهم السلام را می‌کند. «**انّ الناصب منتحل بالإسلام**» همین اسلام او را تغییر داده است. بالاخره مسلمان است؛ «**و ان کان قد انکر ضروریا من ضروریاته**» اگر چه یکی از ضروریات را انکار می کند. خود اسلام این فرد را پاک کرده است «**وهو حبّ أهل البیت علیهم السلام الثابت بقوله تعالی: قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا ا لْمَوَدَّةَ فی الْقُرْبَی**» آن ضروری محبت اهل بیت علیهم السلام است که این محبت را در قرآن ثابت فرموده است. قرآن می‌فرماید: رسول ما به مسلمانان بگو که از شما اجر نمی خواهم جز مودت به اهل بیت ما علیهم السلام. ناصبی

این ضروری از ضروریات اسلام را قبول ندارد اما مسلمان است. «**ولكنه لم يعمل الأصحاب بظاهر الروايتين**» ایشان می‌فرماید: اصحاب به ظاهر این دو روایت عمل نکرده‌اند. این گونه نبوده است که ناصبی باشد و اموالش را تصرف کنند. «**ولم يقولوا بحلّيّة مال كلّ ناصبي لكلّ شيعي أينما وجده وكيفما أخذه، كمال الكافر الحربي**» این نیز گفته نشده است که مال هر ناصبی برای هر شیعه ای هر طور و هر جا که به دست آید حلال است.

البته این نظر آیت‌الله بروجردی است و ایشان نسبت به نظر سید که می‌توان مال ناصبی را تصرف کرد مخالفت دارند و حال این‌که حرف آیت‌الله بروجردی با نظر بقیه علما در تضاد است. همانطور که عرض کردیم حتی صاحب جواهر در این زمینه ادعای اجماع کرده است.

این ماحصل بحث بود که در فرصت آینده بیشتر بحث خواهیم کرد.

پی‌نوشت‌ها:

---

۱. وسائل الشيعة ط-آل البيت، العلامة الشيخ حرّ العاملي، ج۹، ص٤٨٨.

[١٢٥٥١] ٦ ـ محمّد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمّد، عن الحسن ابن محبوب [١]، عن ابن أبي عمير، عن حفص بن البختري، عن أبي عبدالله عليه‌السلام قال: خذ مال الناصب حيثما وجدته وادفع [٢] إلينا الخمس.

۲. همان، ج۱۷، ص۲۹۸.

[٢٢٥٧٩] ١ ـ محمّد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمّد، عن علي ابن الحكم، عن فضالة، عن سيف، عن أبي بكر، عن المعلّى بن خنيس قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): خذ مال الناصب حيثما وجدت.

٣. همان، ص٢٩٩.

[٢٢٥٨٠] ٢ ـ وعنه، عن بعض أصحابنا، عن محمّد بن عبد الله، عن يحيى بن المبارک، عن عبد الله بن جبلة، عن إسحاق بن عمار قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): مال الناصب وكلّ شيء يملكه حلال لک إلّا امرأته، فإن نكاح أهل الشرک جائز، وذلک أن رسول الله (صلى الله عليه وآله) قال: لا تسبوا أهل الشرک فإنّ لكل قوم نكاحاً، ولولا أنّا نخاف عليكم أن يقتل رجل منكم برجل منهم، ورجل منكم خير من ألف رجل منهم ومائة ألف منهم لأمرناكم بالقتل لهم، ولكن ذلک إلى الإِمام.

٤. جواهر الكلام، الشيخ محمّدحسن النّجفى، ج١٦، ص١٢.